

ادامه ی روایات باب

بسم الله الرحمن الرحيم

در روایات گروه چهارم متوقف شدیم و این آخرین گروه است و این گروه گروهی است که روایاتش نسبتاً معتنا به است. در این گروه روایاتی که سند قابل دفاعی داشته باشد متعدد است و از جهت دلالت هم بر مدعا یعنی نهی از قیام و تشکیل حکومت بر اساس شریعت دلالت خوبی دارد البته به این معنا نیست که پاسخ ندارند.

عنه عن احمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن حماد بن عيسى عن الحسين بن المختار عن أبي بصير عن أبي عبدالله ع

ضمیر عنه برمی گردد به محمد بن یحیی یا از کلینی از محمد بن یحیی عطار که از رجال مشهور شیعه است.

احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی از رجال شاخص شیعه است.

حسین بن سعید اهوازی از رجال مورد توجه شیعه.

حماد بن عیسی جهمی که از اصحاب اجماع است.

حسین بن مختار قلانسی ثقة است البته مشکل مذهب دارد، واقفی است ولی گفته اند ثقة است

پس روایت معتبره است.

روایات گروه چهارم عمده از واقفیه است.

«کل رایة ترفع قبل قیام القائم ع فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله عز و جل»

در برخی از روایات «یعبد من دون الله» نیست. آن روایات که «یعبد من دون الله» را ندارد سند خوبی ندارد و از جهت سندی ضعیف است. در این موارد اصطلاحاً میگویند اصل عدم زیاده مقدم بر اصل عدم نقیصه است. اصل اینکه طرف زیاد نکرده مقدم بر این است که ناقص نکرده. چون زیاد کردن نیاز به توجه دارد و الا ناقص کردن توجه نمی خواهد. پس اگر دو روایت یکی کامل بود و دیگری ناقص، کامل را می گیرند.

نکته ای در این جا هست و آن این که امام می فرمایند: صاحبها طاغوت مرادشان این است که باطنا خداپرست نیست و این افراد، افراد خوبی نیستند اگر مراد این باشد جواب به این روایت خیلی راحت می شود چون بحث ما چنین افرادی نیست.

ممکن است مراد بیان حکمی باشد یعنی ممکن است خودش حق مدار باشد، دغدغه ی اسلام و مسلمین را دارد اما این شخص در حکم کسی است که یعبد من دون الله. صاحبش طاغوت است هر کسی که باشد یعنی غیر خدا پرستش می شود ذیل این پرچم ولو اینکه طرف مرجع تقلید باشد یعنی حضرت می خواهند بفرمایند: درحکم این است حالا خارجا هر کسی که می خواهد باشد.

روایت بعدی:

و عنه یعنی جناب کلینی از محمد بن یحیای عطار عن احمد این احمد هم همان احمد روایت قبل است عن علی بن الحکم ایشان هم علی بن حکم انباری است و شخصیت شناخته شده ای است عن أبی أيوب الخزاز اسم ایشان ابراهیم أبی أيوب خزاز است ایشان هم از رجال مورد توجه شیعه است عن عمر بن حنظله ایشان مورد اختلاف است ولی به نظر ما مورد تأیید است و از روایاتش نمی شود گذشت.

ایشان می گوید من از امام صادق شنیدم که قبل از قیام قائم پنج علامت است: صیحه ی آسمانی، ظهور سفیانی، خسف و قتل نفس زکیه و خروج یمانی. عرض می کند: گفتم: قربانت بروم اگر خارج شود یکی از اهل بیت تو قبل از این علامات همراهش بشویم؟ فرمودند: نه.

در بین این روایات که تا حالا خواندیم یک تکه از اولین روایتی که خواندیم یعنی روایت عیسی بن قاسم و روایات این گروه چهارم نیاز به توضیح دارد

روایت حمید بن زیاد را هم باهم بخوانیم

حمید بن زیاد واقفی ثقة است. حسن بن محمد کندی ایشان همان حسن بن محمد سماعة است که از واقفی ها است البته ثقة است از غیر واحدی از اصحابش، آقایان گفته اند این مشکلی برای روایت ایجاد نمی کند چون در جای خودش گفته اند که ابن سماعة از چه کسانی روایت نقل می کند.

أبان بن عثمان احمری هم از رجال مورد توجه شیعه است

أبی جعفر احول و فضیل بن یسار که هردو ثقة و مورد توجه هستند و زکریای نقاض، مشکل روایت این زکریا بن عبدالله نقاض است لذا روایت از جهت سندی می شود ضعیف.

از امام باقر ع می گوید: شنیدم که حضرت فرمودند: مردم مسلمان بعد از رسول خدا مثل مردم زمان غائب شدن حضرت موسی شدند که عده ای تابع جناب هارون شدند و عده ای هم دنبال سامری رفتند. خلیفه ی اول مردم را دعوت کرد و عده ای به دنبال او راه افتادند، دومی آمد و دعوت کرد و عده ای دنبالش رفتند و بعد سومی هم به همان ترتیب ولی امیرالمؤمنین ع ابا فرمود جز به اینکه به قرآن عمل شود. سپس می فرمایند: هر کسی هر پرچمی را برافراشته کند هستند افرادی که دنبالش راه بیفتند و از او پیروی کنند «و من رفع رایة ضلال فصاحبها طاغوت» روشن است که امام ع می خواهند بفرمایند: هر کسی پرچم ضلالت بلند کند صاحبش طاغوت است نه اینکه پرچمش ولو حق باشد ضلالت به حساب می آید پس اگر پرچم حق باشد دیگر ارتباطی ندارد.